

مطبعه و اداره خانه اختر در پایین بابعالی
در شارع ﴿ابوالسعود﴾ در نمره (۶۳)
میباشد.

قرار قیمت سالیانه و غیره در صفحه هشتم
است.

یک نسخه ۱ غروش است

فی ۲۵ شهر ذی الحجه الحرام سنه ۱۲۹۳

مکتوبی که برای درج کردن در کازت اداره
میدهند و طبع نمیشود بصاحبش اعاده
نخواهد شد

مکتوبی که اجرت پوست آن داده نشده
باداره فرستاده می شود قبول نخواهد کردید

یک نسخه ۱ غروش است

۳۰ کانون اول ۱۳۹۳ و ۱۱ ژانویه ۱۸۷۷



این کازت از هر گونه اخبار و ازسیاسیات و پولیتیک و علم ادب و دیگر منافع عمومی سخن خواهد گفت. مواد مفیده عمومی بهمانا قبول و درج میشود. هفته دوبار یعنی روزهای شنبه و چهارشنبه طبع خواهد شد. از اعلانات معموله سطر سه و آنچه در صفحات اخبار نوشته میشود سطر ده غروش دریافت خواهد کردید

آغاز سخن

﴿مدتی این مثنوی تأخیر شد﴾

﴿مهلتی بایست تا خون شیر شد﴾

﴿تا نژاد بخت تو فرزند نو﴾

﴿خون نکرد دشیر شیرین خوش شتو﴾

بعثت بعضی موانع و سببها بود که اداره پیش
ناچار شده باختیار اختر تعطیل کرد. اکنون
تعداد آن اسباب و تفصیل آن موانع را از روی نیست.
از طالبان مطالعه اختر پس از عذر خواهی
چشم داشت داریم که بعد از آن همه جانفشانی
و خسارتی که در آغاز کار اداره عاید کردید
و امروز پاری خندا و ندی دوباره اسباب طبع
و نشر آن فراهم آمد عذر مارا بجوای خود
پذیرند و بر ما خورده نگیرند (و العذر عند کرام
الناس مقبول)

بالجمله در این مدت تعطیل پاره تحریرات از جاهائی که
میبایست برسد رسید و مقدماتی که در پیشرفت آن
مشروط بودی مرتب آمد و بقدریکه دوام
و استمرار طبع و نشر آن را مدار بشود مارا امیدواری
داد. بهمت جعی از ارباب هم از تک خواهان
ترقی و غیرت کیشان ملت یک کومپانی معتبری برپا
شده حصول مقصود از اقدام باین کار مهم را
کفالت نمود. و بتوفیق خدای درین زمان سعادت
نشان بترتیب و تنظیم آن آغاز کرده شد.

امیدواری داریم خدمت بزرگی که از تأسیس این
روزنامه منظور است بطور مأمول سمت حصول

پذیرد و مسلکی که از روز اول پیشنهاد خاطر بود
و در نسخه نخستین بیان آن کرده شد بسهولت
پیشرفت پیدا کند و در اندک وقتی این روزنامه
در اطراف ممالک شرقیه و بلاد وسیع هندوستان
و دیگر جهات جهان از جانب کسانی که زبان
پارسی را آشنائی دارند و از مزیت سخن و سخنندانی
آگاه و از مقصد حقیقی و مسلک مستقیم این صحیفه
اخبار خبیرند مطبوع و پسندیده آید و مفاخر آن
مانند اثرهای جلیل وی در مراتب ترقی و آگاهی
روزکاران پایدار بماند.

امروز مطلبی که خیالات را طرف اعتنا گردیده
و ملتها و دولتها متوجه ظهور نتائج آن هستند
مسئله شرقیه است. اگرچه در نسخه های چند
ماه پیش بعضی مقدمات این مطلب بتدریج
نوشته شده. و مطالعه کننده کان نیز آگاهی
حاصل کرده اند. لکن چون در این میان یعنی
از روز تعطیل اختر تا امروز پاره اتفاقات بزرگ
و کارهای عمده بوقوع پیوست که تاریخ جهان را
اهمیت تواند بخشید و باقتضای اوضاع کارها
و تأثیرات تدابیر شمالیه و ساده روی دولتهای بزرگ
دیگر مسئله بجای نازک و مشغله آمیز رسید. و نیز
رابط سخن و دانستن مطالب و وقایعی که بعد از این
باید گفته شود. محتاج با آگاهی از کلیه وقایع
پیش است تا آنکه سلسله سخن بهمدیگر بسته
شود. و مطلب کنگ و بی سر و بی نباشد.
لهذا خود را معاف توانیم داشت از اینکه مجلی
را از کلیات مطلب درین صحیفه نگاشته و طالبان
آگاهی را از اوضاع امر روزی و چگونگی مسئله

شرقیه و پاره وقایع مهمه که درین اواخر اتفاق
افتاد یاد آور شویم.

بافتضای طبیعت موقع و اهالی و وضع ارتباط آنها
بهمدیگر و بخارج و تغییراتی که بر روز زمان کلیه
و بطورهای مختلف حادث تواند شد. برای هر
دولتی و در هر ملک و مملکتی اشکالات و غائله های
بزرگ و کوچک میتواند ظهور و بروز نماید. و آن
دولت و ملک را بحساره جویی و رفع آن اشکال
و غائله برانگیزاند. و همچنین که وقوع غائله برای
ملک آیین طبیعت و اقتضای وضعهای کونا کون
است اقدام در چاره سازی آن حال ناگوار نیز
اجزای ملک و مملکت را طبیعی و لابد منته است.

اینگونه حل و عقد و شکستن و بستن چنانکه بحکم
عقل و حکمت و بقیاسات و تجربتها نیز معلوم
است. خرابی و ضعف ملک و دولت را سبب مستقل
تواند شد. سهل است که در غالب اوقات هر چه
کرفتاری حاصل آید و تدابیر صائبه و اقدامات
غیورانه رهایی از آن جسته شود یک ترقی و استحکام
بنیان ترقی و قوت و شرافت دیگری بر آن ملک
و مملکت تواند افزود. که نمونه های نزدیک آن را
در زمان خودمان دیده و می بینیم. اگر
دولت فرانسه دچار آن صدمه ناگهانی
از دولت المان نمی گردید و تجربت از غفلت
سابقه نمی گرفت بسر غیرت نمی آمد که در اندک
زمانی هم تلافی ضررهای پیشرا کرده هزار کرو
جریه جنکرا بدهد و از خرابیها و خسارات باز رهد
و غائله کومونهار از میان بردارد. و هم استعداد
و قوت خود را بدرجه بالاتر از حال پیش بطوریکه

اسباب تعجب و آفرین جهانیان گردد برساند . پس وقوع غائله و مشغله برای دولتها و ملتها عادت تازه نیست و رهایی جستن از آن و رطبه ها و بدان واسطه آگاهی یافتن از باهای رخنه و خلل وسیعی در تعمیر و تمهید اسباب يك ترقی و تحصیل شان رونق دیگری برای خود کار دشواری نی . پس کلیه در بسیاری از موارد هر مشکلی آسانی را مقدمه است و هر فساد صلاحي را متضمن هر زحمتی را راحتی در پی است و هر تقیتی را نعمتی در عتب .

دولت علیه عثمانیه ششصد و شش سال است که به توارث و استقلال صاحب تاج و تخت و نکیست است . و مالک ممالک وسیعه در دو پارچه بزرگ مغرب و مشرق زمین . و امروزيك دولت بزرگ اسلام است . که چندین کشور ملت معظمه اسلامیه در اطراف جهان بجهان و دل متوجه و خواهان بقا و دوام و افزونی شان و نام آن دولت شوکت ارتسام است . و از روزیکه سکه استقلال و قدرت بنام نامی پادشاهان بافر و تمکین در این سرزمین زده شده است . بنام و شان و از جهت موقع مهمی که پای تخت نیک بخت آن سلطنت عظمی است محسود دولتهای بزرگ و همسایگان بوده است

این دولت عظیم الشان را درین مدت طولانی بر حسب اقتضایات زمان از داخل و خارج بعبادت عومیه مسئله ها و غائله های بزرگ و کوچک پیش آمده . و بدستاری توانائی و هم و تدابیر کافی به همه آن مسائل و غوائل را بطوری حل و رفع نموده اند که اگر تاریخ کارهای فوق العاده جهان را نشان بدهد آن چاره جو بهای قادرانه را که از جانب دولت در آن مواقع بکار برده شده است سر دفتر وقایع خویش تواند کرد . و اگر تاریخ را ببینیم ما را قانع خواهد کرد بر اینکه تدابیر و قدرتهای فوق العاده که در زمانهای طولانی در مواقع چند ازین دولت قوی مکنت بظهور پیوسته است مقیاس درستی تواند بود که این غائله و مشغله حاضر که از تحریکات فساد آمیز در داخله ممالک محروسه عثمانیه حادث گردیده است نباید اسباب اضطراب و تعجب اجزای ملک و مملکت بوده باشد

بلی در يك قرن پیش دولت با اینکه از يك طرف برای مدافعه دشمن و سد راه فساد و خلل که در هر وقتی وقوع آن برای هر ملک و هر مملکت محتمل است غافل از تدارك و آماده داشتن اسباب محافظت حقوق حوزه خویش نبود . ولی از طرف دیگر هم باقتضای وضع و مناسباتی که بادولتهای اروپا داشت حقانیت و مصافات آنها را در هنگام وقوع هنگامه از خارج برای توسط یا خود همراهی و اتفاق فعلی در حفظ حقوق خود و موازنه آسایش عمومی کافی میدانست . چنانکه در مسئله قریم و جنگ سال هشتصد و دو بیست و شصت و هشتم این معنی بوقوع پیوست و پس از آنکه بهمین عنوان امروزی از جانب دولت روس بدولت علیه اخبار جنگ شده و بعض دولتهای اروپا پس از توسط دوستانه و امتناع دولت مشارالیه از قبول اندر زهای ایشان در باب ترك این نیت خونریزانه اتفاق بادولت عثمانی کرده پای بعر که ستیز و جدال گذاشتند . و در (سال ظفر) که هزار و دو بیست و هفتاد و يك هجری باشد این مسئله بمظفریت تاوه دول متفقہ از میان برخاست .

دولت روس در آن جنگ مغلوب شد . و يك مصالحه متفقانه بامضای هفت دولت بزرگ در پاریس منعقد گردید . دولتهای مشارالیه جدا جدا و متفقا کافل و ضامن استقلال دولت علیه عثمانیه شده و تصریح کردند بر آنکه . اگر یکی از میان ما و یا از خارج بادولت علیه بستیز برخیزد مانند این است که بهمه ماها اعلان حرب کرده باشد

پس از چندی طرف مغلوب چنانکه قاعده کلیه است برای تدارك این شکست و جستن از خفت تحدید تکالیف خود در بحر سیاه و سواحل آن و دیگر مواد مندرجه در عهدنامه مذکور . از یکطرف آغاز با آماده شدن برای جنگ کرد . و از طرف دیگر بنای دست زدن بکارهایی گذاشت که منافی مدالوات معاهده پاریس است . گاهی استحکامات و قلعه های سواحل دریای سیاه را بحال اولی آورده . و گاهی بخیمال فسخ حکم آزادی آن دریا افتاد و خواست کشتیهای جنگی خود را برخلاف عهدنامه که خود و شش دولت بزرگ دیگر امضا کرده بودند داخل دریای سیاه کند . تا آنکه در اثنای جنگ فرانسه و آلمان فرصت حصول این مقصود را بدست آورده حکم این فصل عهدنامه را بهم زد و از پیش برد .

در این مدت راههای آهن بسیار نیز در ممالک خود ساخته اسباب و وسائط نقلیه را تسهیل نمود . و در کار تربیت صاحب منصبان نظامی و ترقی فنون حربیه اقدامات فوق العاده بکار برد . ولی باوجود فصل کفالت دولتها در عهدنامه این اقدامات را برای حصول مقصود نمی توانست کافی بداند . چه گذشته از اینکه تلافی حال سابق را میبایستی بکنند ممکن بود منظور دیگری نیز داشته باشد . که مقدماتی بقدر پیشرفت کار برای مالکیت مرکز جهانگیری که باعتقاد جمعی از نکته دانان تسلط بر قسطنطنیه است فراهم بیاورد . این است که خود را از یکطرف سمت مشرق زمین و بخارا و تترقند و ترکستان و خوارزم و خوقند در بادی نظرها مشغول داشته و از طرف دیگر هم در جز و خیال تمهید اسباب باطل کردن فصل کفالت عهدنامه افتاد و درین ضمن کارهایی که کرده شده و تدابیری که بکار رفت بسیاری از آنها معلوم است و ذکر آنها را لزومی نیست . این زمینه کار و رفتار دولت مشارالیه بود

دولت علیه عثمانیه که بقیاس و اعتبار صحیح نیات طرف مقابل را باجبال میدانست . و آشکاری دید که این اقدامات او برای يك روزی است که میتواند آروز دولتها یقه خودشان را کنار کشیده و از کفالت خودشان نکول کنند . و تنها بایستد واری قوت دیگران نمی توان از دشمن ایمن شد . خصوصاً که گاهی سخن از تغییر بعض فصول عهدنامه پاریس نیز بمیان می آمد و دولتهای اروپا بسکوت می گذرا نیدند . این است که اول تکلیف خود را در زیاد کردن قوت جنگ دانسته زیر قرضهای زیاد رفته در حالتیکه پانزده ملیون یعنی سی کرور لیرا قرض دولتی بود چهارصد کرور لیرا که قریب هزار کرور تومان پول ایران است قرض بالا آورده بر قوت بحریه و بریه و انتظام امر نظام و قشون و استحکامات قلاع و بنادر و غیر آنها افزوده قوت جنگ را بدرجه رساند که امروز برای مدافعه دشمن کافی تواند بود

ولی دشمن در کمال دقت و هوشیاری درین کار نظر میکرد و حرکات و خیالات را با یکدیگر می سنجید و باقتضای کار طرح میریخت و ازین طرف دولت علیه بجز این نقطه کار بهیچ سمتی ملتفت نشده و مقدمات حیل آمیز عمده را که از بعض جاها

بمیان آمد م اختلال داخلی صربستان قلعه داده شود دولت نمود

بلغارها را که یکی را نیز بر دیگری نمایند مسئله شام و اخ که دولت پیش حربیه که آرا من نتوانست چنانکه بپردازد و اساس صلاح حال است برپا نماید یعنی بعد از وفات غیر مستقر متوال و لایه و حکام و تصور برهم زدن علت شده دولت مذ کوره بازداشت قوت حربیه و تصور کرده شد تا بغداد کشیده

بعد از جنگ فرانسه ها این سال تحمل نتوان کرده خود را بالان فرصتی برای پیش نیست . خصوص دولتهای بزرگ بکار دولتها را حالت که میتوان درین و بعض حرکات اهالی بی اطلاع اثر شده و بمیان انداخته مقصود گردد . و سکون هنوز غیر آینده دول اروپا بشود دولت علیه

بسیار آمد مهم و معتاندا نسته و از تدارکات اختلال داخلی غفلت کرد بحدی که چون حکومت صربستان قلعه بلغراد را خواش کرد با آنها داده شود دولت بی ایستاده کی قبول کرده و تسلیم نمود

بلغارها را که خواستند از رومیان جدا کنند و این یکی را نیز بر حسب بولتیک مذهبی واسطه تدبیر دیگری نمایند دولت موافقت نمود و گاهی هم مسئله شاه و اختلال کرد و مسئله یونان بمان آمد که دولت بیش از فراغت از اكمال لوازم قوه حربه که آرا مقدم بر تمامی امور مهمه می داشت نتوانست چنانکه میبایست با اصلاحات داخلی پردازد و اساس جمله قوتها را که عبارت از صلاح حال تبعه و اهالی و اصلاح امور مالیاتی است بر پا نماید و درین چهار و پنج سال آخری یعنی بعد از وفات عالی پاشای مر حوم وضع تغییرات غیر مستقره متوالیه چه در هیئت و کلا وجه در باره ولایه و حکام و ولایات و غیرهم و از آنطرف تصور برهم زدن اصول قدیمه وراثت مزید بر علت شده دولت را بکلی از التفات بامور مهمه مذ کوره باز داشت و نهایت کاری که برای اكمال قوت حربه و تهید واسطه آبادی ملک و مملکت تصور کرده شد راه آهن اناتولی بود که از اسکدار تا بغداد کشیده شود

بعد از جنگ فرانسه و المان و شکست مذلت آمیز دولت فرانسه بعضی دولتها منتظر بودند که فرانسه ها این تنگ و عار را بیش از پنج و شش سال تحمل نتوانند کرد و ناچار دست و پای جمع کرده خود را بالمان خواهند زد و آن موقع نامناسب فرصتی برای پیش بردن مقصود چندین ساله نیست و خصوصاً که وضع اروپ و خیالات دولتهای بزرگ بکلی بر کشته و بولتیک و مناسبات دولتها را حالت غیر مستقره حاصل گردیده است که میتوان درین میان کاری موافق مقصود کرد و بعضی حرکات شبهه آمیز و سخنهائی که در مزاج اهالی بی اطلاع اثرهای بزرگ تواند بخشید بکار برده شده و بمان انداخته شود که مقدمه حصول مقصود گردد و دیدند که فرانسه را مدار حرکت و سکون هنوز غیر معلوم است و پایان کار و حالت آینده دول اروپ ناپیدا و هر قدر تأخیر در کار بشود دولت علیه عثمانی بر استعداد صوری

و معنوی خود تواند افزود و دور نیست که بدین وسیلت فرصت از دست رود

این است که بتأثیر تدابیر شمالیه آثار ظهور عصیان و اختلال از بوسنه و هرزگوین آغاز کرد و علت غایبه از این کار از یکطرف ذهنی کردن بدولت اروپ بود که دولت عثمانی بوعده خود در باره اصلاحاتی که بموجب عهدنامه پاریس داشت و فائز کرده عیسویان این دو ولایت از ظلم و جور و بیحسابی و تحقیرات مأمورین حکومت و مسلمانان هم وطن خودشان بسته آمده ناچار از عصیان شدند و از طرف دیگر مقدمه اضرار مالی و قشونی برای دولت کرد و تا آنکه بعد از چندی قدمی دیگر پیش نهاده شود و مشغله دیگر بر باشد راه رسیدن بپایان کار نزدیک گردد

از یکطرف نیز بواسطه بعضی روزنامههای باغرض فرنکستان در نزد اهل اروپ چنان حالی و وانمود کرده شد که دولت عثمانی یک دولت جبار ظالمی است که عیسویان بوسنه و هرزگوین (که از جنس اسلاو هستند) مقهور تعدیات کونا کون مأمورین حکومت و اهالی مسئله گردیده و بسکه از این حال نا کوار و از عدم اطمینانی که از مال و جان و عرض و ناموسشان دارند بترس آمده اند در حالتیکه رعیت بیچاره هستند مرگ را بر خود هموار کرده آنچنان زندگانی را بر خود حرام دانسته بمقابله و مقاتله با حکومت و دولت متبوعه خودشان بر خواسته اند و اسباب اثبات این مدعا را هم علی التدریج راست و دروغ ذهنی اروپاییها کردند که این بیچارهگان مظلوم و متظلم هستند

و از آنطرف بلغارستان کول خورده بسر مسلمانان هم شهری خودشان هجوم آوردند و حکومت ناچار شد جلو این اختلال را بگیرد و چنانکه اقتضای کار است آنها را تأدیب و تنبیه نمود و از اینقره نیز چیزها گفته و نوشتند که بالاخره ملت انکلیز باور کرده و از آن حرکات وحشیانه تبرا خواستند و دولت را از همراهی با دولت علیه منع نمودند و تا آنکه کمی از این فقرات را تحقیق کرده و حقیقت حال را دانستند که کار خالی از حیل و تحریک نیست و خصوصاً که رشته خیالات و حرکات طرفین در دست دولتهای مشارالیه بود

بالجمله بجهت اینکه همسایه را راه مداخله در این کارها باز شود و وقتی بگذرد که دولت را مخارج و مصارف بیفزاید و اولاد داشت (لایحه) کونت اندرایی وزیر خارجه اوستریا را بپیمان انداختند و دولتهای اروپ هم بهر خیالی که بود باین مطلب راضی شدند تا آنکه لایحه تمام شده بپایعالی داده شد

لایحه کونت اندرایی را بپایعالی قبول کرد و ویتای اجرای مدلول آن کرده شده و بنظرها چنان می آمد که عصیان بوسنه و هرزگوین تمام شد و ولی چون زمستان بود باقتضای تدابیر فسادیه اسبابی میبایست ترتیب شود که وقت و فصل موافق حال قدم دومی و سیمی باشد و این است که باوجود قبول شدن لایحه که از جانب دولتها داده شده بود باغیان فعلاً از قبول این مطلب خودداری کرده در بغی و عصیان خودشان اصرار نمودند و درین بین نوشته شدند یک لایحه دیگر در میان سه دولت مقرر شده و وزرای اون دول مشارالیه که پروس و روس و اوستریا باشند در ماه ربیع الثانی ۱۲۹۳ در برلین مجلس کرده از میان آنها پرس فورچیووف وزیر خارجه دولت روس ابتداء در اثنای صحبت باره مقاصد را بیان آورد و جان مسئله شرقیه را بکمال لطف و خوشی اظهار نمود که بهترین شقوق قسمت کردن قطعه رومیلیت است که بکلی از دست ترکهای بیرون رود و این عیسویان بیچاره از مظالم و تعدیات باز رکنند و در باره اسلامبول هم فکری کرده و قرارهای متعلق میدهم و درین زمینه بیاناتی را که لازم دید کرده ولی رفقای خود را همراه ندید و وقت را سبقت حصول مقصود نیافت و تا آنکه یک (لایحه) یاد داشت خشنی که مشتمل بر تکالیف غیر ممکن القبول بود نوشته و بامضای هر سه وکیل مشارالیه رسید و این و کلا ودولتهای متبوعه ایشان درین میان جزا اینکه به بنیم آخر کار چه خواهد شدم خیال مخصوص ظاهراً ندا شتند بالجمله بهر خیالی که بود لایحه را قرار دادند بپایعالی فرستاده شود و ولی دولت انکلیس که آگاه از اطراف و نتیجه کار بودی حفظ منافع خود و شرائط آبرومندی و نیک خواهی خود را در آن دید که آنچنان لایحه را قبول نکند و معلوم بود که بپایعالی نیز هرگز زیبار آن تکالیف نخواهد رفت و بدین واسطه کار داده شدن لایحه از جانب دول ثلثه بتأخیر افتاد

درین اثنا شورش و اختلال بلغارها ظاهر شده و در حالتیکه دولت عسا کر نظامیه بقدر کفایت در آنجا نداشت بلغاریان یک دفعه بیرق شورش را برافراشتند و بسر مسلمانان هم شهری خود شان هجوم آوردند و حکومت ناچار شد که بواسطه معاونت عسا کر دا و طلب و جریک رفع این حرکت و عصیان رکب را نماید . و پس از آنکه بلغارها جمعی از اطفال و نسوان مسلمان اهالی را با سواحل کشند مسلمانان نیز با انتقام بر خواستند و بسهولت ممکنه جلو این شورش نیز گرفته شد .

در آن بین از وضع حرکات بعض پیشکاران بزرگ دولت چنان استنباط شد که هنوز دولت ملتفت کینه مطلب و اساس فساد نیست و دشمن را از دوستی فرقی نداده و این غوائل و شورشها را کار مهمی نمیداند و از نتایج بسیار خطرناک آن بکلی غافل است . و درین گیر و دار و هنگامه که شان و حقوق ششصد ساله دولت عثمانی در محمل خطر است بتهیه بعض خیالات وحشت آمیز غیر مناسب بوقت پرداختند . دیگر ارکان دولت و نیک خواهان ملک و مملکت که از دقائق امور آگاه بودند دیدند این کار را باید تدبیری کرد و چاره باید نمود و اول کاری که بواسطه اجاع طلاب علم بمیان آورده شد این بود که عزل جناب محمود پاشای صدر اعظم را طلب نمودند . و در اول ماه ربیع الثانی ۱۲۹۳ خاقان مرحوم سلطان عبد العزیز خان صدارت را بعهد جناب ابهت و دولتمآب محمد رشیدی پاشا که از قدمای وکلای دولت است تفویض . و مشیخت سلامیه را بجناب دولت و محاسن مآب حسن خیر الله افندی محول فرموده . جناب فخرامت و دولتمآب مدحت پاشا را بریاست شورای دولت و حسین عونی پاشا را بسپهسالاری معین داشتند .

در هفتم ماه جدادی الاولی ۱۲۹۳ مطابق سی ام ماه فرنی ۱۸۷۶ بر حسب فتوای شریعت مقدسه که حاکم مطلق بر اسلام و اسلامیان است و باتفاق ارکان و اعیان دولت و اهالی مملکت عبد العزیز خان مرحوم از سلطنت خلع شده و بحکم قاعده قدیمه وراثت اعلیحضرت سلطان مراد خان خامس بر تخت بلند بخت عثمانی جلوس فرموده و از روز جلوس همایون مائل بودن طبع عالی را بر حریت و آزادی و مساوات حقوق اجزای وطن قول و عملاً آشکار فرمودند .

سلطان عبد العزیز خان مرحوم از این وضع خلع و مقهوریت بعد از استبداد و تسلط پادشاهانه بغایت دلشکی حاصل کرده . و در اول روز دوازدهم جدادی الاولی ۱۲۹۳ که چهارم ماه ژوئن فرنی باشد بعد از آنکه قراولی درد اخل سرای ایشان را بمناعت از حرکت کرد باطاق خود برگشته و با مقراضی که بجهت اصلاح شاربهای خویش احضار نموده بودند رکهای بازوی چپ و راست خود را بریده در بستر انتقال بدار بقا غنودند .

چند روز فاصله یعنی در شب ۱۶ ماه جدادی الاولی در حالتیکه جمعی از ارکان و وزرای دولت در خانه جناب فخرامت و دولتمآب مدحت پاشا برای مذاکرات مهمه انجمن داشتند حسن نام چرکسی باطبا نچه های شش لوله داخل مجلس شده حسین عونی پاشای سرعسکر را بارشید پاشای وزیر خارجه کشته و جناب دولتمآب احمد پاشا وزیر بحریه را چند زخم قه حواله کرده و دونفر نیز از آدمهای ایشان را بقتل رسانید . و این خیانت و جنایت که از حسن مذکور سرزد دخیل بعالم پولیتیک و تحریک نداشت تنها از غرض شخصی او که با سرعسکر داشته است این کار در حالت غیر مستقیمه از او ناشی و خودش گرفتار گردیده در میدان با بزی بدار کشیده شد .

بواسطه این تغییرات بزرگ وضع پولیتیک ورنک کارها دیگر کون شد . و آن طرحی که برای مسئله شرقیه بود با شکل افتاد . و از فقره حریت عمومی و بنای مجلس ملتی که ذکر آن بکمال کرمی در میان بود جمیع تدابیری که برای پیشرفت مقصود اندیشیده شده بود بزرگ شده بطل بشود لهذا وقت هم مساعد شد بر اینکه قدمی پیش نهاده شود .

در حالتیکه حکومت صربستان اظهار تبرا از مخالفت و عصیان میکرد و چون تدارک جنک از او شنیده شده و مخبراتی که بادولت یونان و حکومت قراطاغ داشت و استقراضی که میخواست بکنندیت او را آشکار میکرد و از جانب بابعالی می پرسیدند که خیال توازین حرکات چیست می گفت خیالی ندارم و بواسطه مأمور مخصوص این مطلب را ببابعالی بیان خواهم کرد یکبار و دم بمیدان نهاده اظهار عصیان نمود .

در ششم ماه جدادی الاولی جنرال جرنایف که یکی

از جنرالهای روسیه بود بسر داری قوشون صربستان منصوب و تعیین شده و در بیستم همان ماه صربستان و قره طاغ باهمدیگر متفق القول شدند . و از یکطرف از میان اهالی روسیه حامیان صربها و طالبان جنک پیدا شده جمعیتها از داخل و خارج بتهیه لوازم جنک و جمع کردن امدادیه تشکیل شده پول تدارک و ملزومات دیگر بصربستان فرستاده و جمعی نیز بستم داو طلی خواستند گردیدند که داخل قوشون صربستان شوند .

در هفتم ماه جدادی الآخره مسیو مکارینیو بیچ وکیل امور امارت صربستان در اسلامبول تحریراتی از جانب امارت مذکوره ببابعالی تقدیم نمود که درین تحریرات مطالب صربستان و قره طاغ مندرج بود ببابعالی مطالب و مستدعیات آنها را بنپذیرفته کار باخبر جنک کشید و در (۱۰) جدادی الآخره قره طاغ نیز عصیان خود را آشکار کرد .

در ۱۶ ماه جدادی الآخره اعلیحضرت امپراطور آوستریا با اعلیحضرت امپراطور روسیه در (رایخشتاد) ملاقات کردند و از نتیجه این ملاقات شد که لنگرگاه قلیق را که راه نزدیک برای حمل و نقل عسا کر عثمانیه بود بسته شود . و این یکی دلیل بود بر اینکه علت غاییه آن ملاقات حفظ منافع اسلاوها بوده است .

پس از آنکه صربستان بمیدان مقابله و مقاتله آمد در همه جنکها که با عسا کر دولت می کرد مغلوب و پریشان گشته و همه جاشکست می خورد .

تا آنکه پرنس میلان حکمران صربستان بیان حال را بدول معظمه اروپا کرده استدعا نمود که چندی حرکات عسکریه تعطیل شود که بواسطه خواهش دولتها ببابعالی این تکلیف را قبول کرد ولی قوشون صرب که میبایست آرام بشینند تخلف از شرائط کرده خواستند تعرض و هجوم باردوی دولتی نمایند و درین تعرضات هم مغلوب شدند . آنکه جنرال اغنائیف سفیر کبیر دولت روسیه بنام دولت خود تعطیل جنک را ناشش هفته خواهش کرد و (التیاتوم) داد که در مدت چهل و هشت ساعت دیگری این تکلیف را ببابعالی قبول نماید و یا آنکه مأمورا اسلامبول را ترک کرد . بیرون خواهد رفت .

اگرچه ببابعالی از روز اول مو آن بود که با بکار لازم میدان چند ایستاده کی ایلیچی انگریز بپذیرند و ببابعالی دو قلعه محکم که محصور بودند شده بود .

دولت انگریز (کونفرانس) تکلیف و خواهش را م باسلامبول آمده احوال و رفع شو

دولت روسیه خو و هرز کون در و بشرائط چند عبارت از اصلا قشون خود را د

اعلیحضرت سلطه عارضه اضطراب تدبیره بحمدی که معظمه سلطنت اند انور خودشان بازداشتند .

بحکم وراثت و اعلیحضرت اقدس خان ثانی دریازده سلطنت بدولت

این جلوس همایون برای تمامی عثمانیه اعلیحضرت را محم آری نیک بختی بزرگ که بتأسیس یک را آزادی و برابری بخشیدند . و پس اداره کلیات امور

اگرچه بایعالی درباره تعطیل حرکات عسکریه از روز اول موافقت داشت . ولی سخن در مدت آن بود که بایعالی شش ماه مدت را برای این کار لازم میدانست ولی از این اصرار و ملاحظات چند ابستاده کی در قبول این تکلیف نمود تا آنکه ایلیچی انگریز خواهش کرد که این تکلیف را بپذیرند و بایعالی موافقت کرد . ولی تا آن وقت دو قاعده محکم صریحا (عکسبناج و دایفراد) نام که محصور بودند از جانب عساکر دولت فتح و ضبط شده بود .

دولت انگریز بعد از این متار که انعقاد يك (کونفرانس) مجلس را برای حل این مسائل تکلیف و خواهش کرد . دولتهای معظمه این خواهش را مناسب دیدند و وکلای دولتها باسلامبول آمده آغاز بمذاکره را اصلاح این احوال و رفع شورش و عصیان نمودند .

دولت روسیه خواهش کرد که بلغارستان و بوسنه و هرزکون در تحت دو حکومت مخصوصه بوده و بشرائط چند اداره شود و تا حصول مقصود که عبارت از اصلاح حال عیسویان آنجاها باشد ! قشون خود را در آن ولایتها بگذارد .

اعلیحضرت سلطان مراد خان پنجم بعزت عارضه اضطراب قلب و استیلاي ضعف قوای تدبیره بمحدی که دیگر توانایی بر راه بردن امور معظمه سلطنت نداشتند . بحکم فتوای شرع انور خودشان را از اشتغال بامر سلطنت بازداشتند .

بحکم وراثت و استحقاق برادر کهتر ایشان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی سلطان عبدالحمید خان ثانی در یازدهم ماه شعبان المعظم برابر یکم سلطنت بدولت و اقبال جلوس فرمودند .

این جلوس همایون را مبدء يك نیک بختی تازه برای تمامی عثمانیها توانیم گفت . و نام نامی آن اعلیحضرت را محیی ملت و دولت توانیم خواند . آری نیک بختی بزرگتر از این را تصور نتوان کرد که بتأسیس يك قانون اساسی صنوف تبعه و اهالی را آزادی و برابری در مواد سیاسیه و حقوقیه بخشیدند . و پس از آنکه دولت بلا شرط بود اداره کلیات امور متعلقه بآنها را بصوابدید

و مشورت يك مجلس عمومی ملتی محمول و مشروط فرمودند .

این اساس بزرگ نخستین سرمایه نیک بختی است که در مشرق زمین بمساعدت و احسان آن پادشاه عظیم ایشان گذاشته شده و تاریخ جهان را سرمایه افتخاری دادند .

(تفصیل این قانون اساسی و ترجمه فصول آن را چنانکه بزبانهای دیگر نیز ترجمه شده و منتشر خواهد کردید ما نیز بخواست خدای بخاری ترجمه کرده بانضمام مترجمات آن در نسخه های آینده ثبت خواهیم کرد)

مأمورین دول متحابه که برای کونفرانس در اسلامبول حاضر شدند مجالس چندی نشسته و آغاز بکار و ایفای وظائف مأموریت خودشان کردند . ولی چون خواهشهای دولت فخریه روسیه قدری سنگین بنظری آمد . و میدیدند که ممکن نیست بایعالی آنها را بپذیرد . و مذاکره و گفتگوی مطلب نیز محتاج مدتی است که خیلی بیشتر از مدت متار که یعنی شش هفته معین است که بموجب التیماتوم دولت مشارالیها قرار داده شده بود . اینست که پس از چند مجلس مذاکره قرار دادند دو ماه دیگر بر مدت متار که بیفزایند و تا غره ماه محرم امتداد زمان متار که را مقرر نمودند .

در ثانی تا اول ماه مارس فرنگی مطابق یازدهم ماه صفر ۱۲۹۴ که بیست روز بعد نوروزی ماند بر مدت متار که افزودند .

این وضع و حالت کونفرانس است و نتیجه کار از روی تحقیق پدیدار نیست دولت روس قشون خود را در حدود افلاق و بغداد از سمت طونه و در سرحد قفقاز از سمت آناتولی جمع می کند . دولت علیه نیز بر حسب تکلیفی که دارد تدارکی برای مقابله آماده میدارد .

آیا پس از همه تفصیلات پایان کار جنگ یا آشتی خواهد بود ؟

و کار بچنگ عمومی کشیده و این ناخوشی مزمن بسایر دولتها هم سرایت خواهد کرد یا نه ؟ و آیا مسئله شرقیه پس از همه تفصیل حل خواهد شد . یا آنکه باز بروپوشی و مسامحه گذشته

پس از چندی بزرگ و لباس دیگر بیرون خواهد شد بسیاری از واقفان باطراف کار را اعتقاد برانست که لامحاله در میان دولت علیه و دولت روس جنگ خواهد شد . خصوصا در فقره تأمیناتی که دولت روس در باره اصلاحات ولایتهای بوسنه و هرزکون و بلغارستان در نظر دارد و مقصودش داخل کردن قشون خارجی بآن ولایات است که اینهم بوجهی شایسته شان و استقلال يك درات بزرگی نتواند بود . و چون دولت زیر بار این تکالیف شاقه نخواهد رفت و طرف مقابل اصرار در مطلب خواهد نمود اینست که احتمال وقوع جنگ در این میان قوی تر دیده میشود . و آیا این جنگ عمومی خواهد بود یا خصوصی ؟ این یکی هم بسته بمنافع حایه و استقبالیه است که دولتهای فرنگستان را درین ضمن منظور تواند بود .

این است خلاصه وضع مسئله شرقیه و کونفرانس و وقایع و اوضاعی که درین مدت اتفاق افتاد ورنک مسئله و خیالات را از همین اجالیات استنباط توان نمود . و پس ازین را آنچه از فروع و متمات مطلب و نتایجی که حاصل خواهد شد بخواست خدای درین کازت بتدریج درج کرده بعرض طالبان اکاهی خواهیم رساند

داخلیه

مقرب الحضرة العلیه میرزا حسن شوکت که از جمله ادیبان بنام ایران است و منشی اول سرتن سنیة دولت علیه عثمانیه در طهران برای جلوس همایون اعلیحضرت اقدس پادشاهی دو قطعه تاریخیه انشاء کرده اند که نخستین نسخه اختر را بنامش آن آرایش و افتخار توان بخشید

عبدالحمید ثانی بافر آسمانی
سلطان شد و جهاز را از خرمی جوان کرد
تاریخ پادشاهیش کردم طلب ز شوکت
تقنا جلوس سلطان عبدالحمید خان کرد

۱۲۹۳

بر تخت پادشاهی آبانیک بخت
بنهاد پای حضرت عبدالحمید خان
این داد ایزد است که تاریخ سال او
ایزد بداد دولت عبدالحمید خان

۱۲۹۳

کونفرانس که از اعضای معینه از جانب هفت دولت بزرگ از چندی بابتطرف است در اسلامبول انجمن می شوند. بار ششم بود که در روز يكشنبه گذشته رسماً در دبیرخانه ترسانه عامره نشسته و بکار مذاکره پرداختند.

در باره تکالیف دولسته ظاهراً موافقت تامه در میان شش دولت دوست حاصل شده. و تغییر و کم و زیاد کردن آن تکالیف را خارج از دستور العمل خودشان دیده و اصرار درین دارند که دولت علیه آن خواهشها را که متضمن صلاح و اصلاح میدانند قبول نماید. ولی بابعالی در مقابل بعض فقرات آن جوابهای حساسی داشته و با وجود گذاشته شدن قوانین اساسیه که جامع اطوار اصلاحات عمومیه و داخلیه است پذیرفتن آن تکالیف را زاید و بیرون از اندازه استقلال و احکام معاهدات و حقوق ملکیه و مسلک حاضر دولت دانسته. و ماک آن را خالی از استلزام پاره معایب و مفاسد داخلیه نمی بیند.

لهذا امتناع تمام از قبول آنها را ظاهری کند. اگرچه باز نتیجه کار و حاصل مذاکرات بصراحت معلوم نیست ولی از قرار مذکور امروز نیز مجلس دیگری در این باب منعقد خواهد گردید. کویا پس از نومیدی و کلای دول معظمه متفقاً خدمت جناب مستطاب صدارتیناهی رفته و خواهش خواهند کرد که این تکالیف پذیرفته شود. و اگر از حضرت ایشان جواب رد یشتوند بحضور همایون اقدس پادشاهی رسیده. این مستدعیات را بعرض خواهند رسانید. و در صورت ظهور عدم مساعدت همایونی نیز چند روز منتظر شده. بعد از آن همه مأمورین مومی الهم از اسلامبول حرکت خواهند کرد.

پس از آن در باب انعقاد یک کومیسین دیگر دروین یا در پای تخت یک دولت بزرگ دیگر و یا ترک این مذاکرات و وا گذاشتن کار بارادات و ملاحظات منافع دولتها و اختیار صلح و جنگ و اتفاق و افتراق و غیر ذلک ایشان منتظر اوامر و دستور العمل دول متبوعه خودشان خواهند بود.

جریده حوادث در نسخه روز شنبه گذشته نمره ۳۲۸۳ در صفحه نخستین مقاله بعنوان

(دولت علیه و ایران) نوشته و تکراری را از لندن در باره قشون کشی دولت علیه ایران بسرحد بغداد نقل کرده. و باینکه بعدم اعتماد خود بصحت آن تکرار اعتراف میکند. پاره قضایا و قیاسات خود را بمیان آورده و در آن ضمن رای اندرز طرز! و ترسانده! و لایه آمیز! خود را بزبان بسیار خنک و نالایق بیان کرده برای دولتی که چهار هزار سال است در ناف کره زمین مؤسس و پایدار است مدار حرکت و سکون معین میکند. و آداب دوستی و مناسبت می آموزد! پاره سخنان متعظمانه را که مردمان آگاه کوشیده آن را بناداقی منسوب توانند کرد. به بی شرمی نوشته در میان پادشاهان و دولتهای مستقل برخلاف نیت و وضع و حال طرفین فضولانه قرار تفاضل و تقسیم مطاعی و مطیحی میگذارد.

امروز این نسخه را کنجاش تعرض بر همه عبارتها و سخنان او نیست. ولی میتوانیم اوو امثال او را از بعض جهات مطلب آگاه کنیم که آداب سخن و سخنکوی را یاد گرفته و باین پروپوچها اسباب برودت در میان دو ملت بزرگ اسلام نشوند. آنچه پیشینان گفته و کرده اند برای بدبختی ما کافی است. ما اگر مردم باشیم و مآل کار و خطرهای زمان آینده را تصور کنیم بزبان بسیار ملایم و با ادب باید بگوئیم تا تعمیر و ترمیم نفاق و منافقتهای پیش را نموده ملل اسلامی را بزیر بیرق اتفاق و اتحاد پیاوریم. خصوصاً که اکنون می خواهیم با تبعه غیر مسلم لاف برابری و برادری زنیم و برای حفظ وطن ظاهری با عیسویان و دیگر ملل مختلفه الا دیان که اجزای وطن هستند را بیکان باشیم. راستی انصاف نیست که درین موقع باین گونه مقالهای خنک از یکطرف دلهای مسلمانان عثمانی را که امروز در حال هجمان است باستناد بیک تکرار مجهول الحال بل مجهول المآل بخرائیم. و از یکطرف بزبانهای تلخ نا ملایم ایران و ایرانیان را خسته خاطر سازیم.

نویسنده جریده حوادث میتواند در باره تکرار مذکور تصور دیگری را درک نماید. که شاید دشمن برای صرفه جویی و نکلت پولیتیکی و تشویش خیالات نا قصه این تکرار دروغی را بکمال پختگی بهر وسیله آورده است بمیان انداخته باشد. چنانکه از روز اول بواسطه روزنامهها و تکرار افانها و دیگر وسائل دروغین کار خود را

سکه کرده. و از جمله آنها این شده است که دولت علیه و اسلامیان را در نزد اهل اورپ بو خشیکری و تعصب و قابل نبودن باصلاحات وقت شناسانیده است. که امروز همه اشکالات خطرناک ازین تدبیر را سخن تاثیر در میان است.

نویسنده جریده میتواند بداند که ولایت کرمانشاهان ایران که هم حدود ولایت بغداد است. و مسکن عشایر و ایلات و احشام مختلفه الا جناس مرکز یک اردوی دولت ایران است. و در فصل زمستان که حوالی مرکز ولایت بغایت سرد و غیر مساعد بحال عسکر و تعلیم آنها است. و همه ساله افواج اردوی کرمانشاهان در فصل زمستان که هم فصل حرکت عشایر و ایلات است بخاک زهاب رفته و در آنجا که هوای ملایم دارد و قشلاق است بسر می برند و درین ضمن عشایر متحرک را نیز در اندازه و دایره ادب نگاه میدارند. و اگر امسال در آنجا عسکری هست پیش از آنچه در سالهای پیش بوده است نخواهد بود.

جریده حوادث می تواند بداند که سرحد بغداد تا کرمانشاهان پنج روز راه بیشتر نیست. اگر دولت ایران بر فرض محال همچنان خیالی داشته باشد. میتواند استعداد خود را در داخل ولایت حاضر کرده و در موقع کار بی مقدمه هجوم نماید. نه اینکه در خاک متصل بسرحد چند فوج گذاشته و طرف مقابل را آگاه کند که من همچنان منظوری دارم.

جریده می تواند بفهمد که دولت ایران که خود را یک دولت قدیمه و قویه میخواند و از قواعد و حقوق دول و شرائط صلح و جنگ آگاه است. ابتداء دلائل استحقاق خود را بر این کار اقامه میکرد. و بعد از سؤال و جواب و تمهید مقدمات ستیز با دولتی که دعوی مصافات و یکانی باوی میکند اقدام باین حرکت می نمود.

نویسنده این مقاله میبایستی کمی آگاهی از اطراف کار حاصل کرده و بعد از آن بنوشتن همچنان فصل بی اصل و اساس پردازد. و گذشته ازین نتیجه وفایده سخنی را که مینویسد

ملاحظه کند
شود فائده آن
انجمنها سخن
اکنون نمی توان

در ضمن روزنامه
اسلامبول چاپ
مذکور است این
وجعیت بسیاری
و غیر آنها
آنجا بوده است
قشون روس
این حال و چاره
های اردوی
است فی الحال
اگرچه هنوز
نیست. ولی از
هست استعدادی
آنجاها بظهور
مطلب معلوم
عرض خواهد

در بعض جرائد
اژانس می نویسد
و چند ارباب توپ
فرستاده شده
تصدیق نمی توان
بزرگ پولیتیکی
اگر چنانچه فی
ربطی بعالم
اسلام نتواند
خیالات نتواند

از روزیکه کو
شکل شده است
موافق ژورنال
ملیون و هفتصد
و چهل غروش
تحويل و تسلیم
الانجمن قریب

ملاحظه کنند و سخنی بگویند که اگر سنجیده شود فائده آن بیش از مضرت آن باشد . در اینجاها سخن بسیار است لکن زیاده برین را اکنون نمی توانیم نوشت .

در ضمن روزنامه های چند که درین هفته در اسلامبول چاپ شده است نوشته اند که بتواتر مذکور است این روزها در قفقاز شورشی برپا شده و جمعیت بسیاری از اهالی چرکس و داغستان و غیر آنها بر عساکر دولت روس که در آنجا بوده است هجوم آورده و جعی را از قشون روس از پادر آورده اند . و برای اصلاح این حال و چاره سازی اهل شورش حکومت فرقه های اردوی روس را که در پوطی و کیری بوده است فی الحال بسمت قفقاز فرستاده است . اگرچه هنوز خبر رسمی صحیح در این باب معلوم نیست . ولی از مقدماتی که درین مطلب در دست هست استبعادی ندارد که همچنان شورشی در آنجاها بظهور پیوسته باشد . پس از آنکه تفصیل مطلب معلوم شد در نسخه های آینده مشروحا عرض خواهد شد .

در بعض جرائد حوادث از روی تلگرافنامه های اژانس می نویسند که چند تیپ قشون نظامی و چند ارباب توب تازه کی از طهران بسمت کرمانشاهان فرستاده شده است . اگرچه صحت این خبر را تصدیق نمی توانیم کرد و شیوع آن را مبتنی بریک پولیتیک خارجی توانیم دانست . مع ذلک اگر چنانچه فی الواقع اصل هم داشته باشد هیچ ربطی بعالم پولیتیک و مناسبات دولتی علین اسلام نتواند داشت . و باعث تشویش و تخدیش خیالات نتواند بود .

از روزیکه کومیسسیون اعانه حریه در باعالی شکل شده است نایستم همین ماه ذی الحجه الحرام موافق ژورنال نمره ۱۲۴ معادل سی و هشت ملیون و هفتصد و هشتاد و هفت هزار و پانصد و چهل غروش بکومیسسیون مذکور وجوه اعانه تحویل و تسلیم شده است . که برای ایران علی التبعین قریب دو کرویر تومان می شود .

بصیرت مینویسد

از جانب مسلمانان هند بوساطت فضیلت مآب حاجد فارس افندی مؤلف کازت الجواب پیشتر دوهزار لیرای طلا بصیغه امدادیه بکومیسسیون اعانه داده شده بود . این روزها دوهزار لیرای دیگر نیز بتوسط افندی مومی الیه تسلیم کومیسسیون کرده شده است .

از قرار خبرهایی که از ایران میرسند این اوقات که مسئله شرقیه بمیان آمده و اوضاع دولتها در این میان بطورهای غیر معلوم مشاهده می شود دولت علیه ایران پیش از پیش در انتظام امور ملکیه و عسکریه اهتمامات خود را بکار میبرد و بقاعده اساس مسلماتی قراردادده اند همه اهالی علم جنگ را باقتضای وقت یاد بگیرند و علی التدریج داخل در سلك نظامی و عسکر ملتی شوند . و در این باب قاعده و ترتیبی داده میشود که از آن روی مقصود حاصل گردد . زیرا که هر دولتی وطن را بدستکاری اجزای وطن باید محافظت نماید همچنانکه هر ملتی ملیت و وطن و نام و ننگ خود را در سایه حسن نیت یک پادشاه مهربانی نگاه تواند داشت .

امشب که شب جمعه ۲۶ ماه است جناب مستطاب افخم صدر اعظم و جله و کلای فحام در سفارتخانه علیه ایران برای شام مهمان هستند .

روزشنبه آینده ۲۷ ماه جناب فحامت نصاب معین الملک وزیر مختار و ایلمچی مخصوص ایران در صورت مخصوصه بحضور اقدس اعلیحضرت پادشاهی شرف مشول خواهند یافت

در بعض روزنامه ها نوشته و از روی تلگرافنامه مسکو بتاریخ ۳ ژانویه فرنیکی نقل کرده اند . که پس از اشتهار و اعلان قانون اساسی در اسلامبول و مقرر شدن تأسیس مجلس ملتی . بدیوارهای بطریورغ کاغذها چسبانیده شده است . که در آنها زوم تنسیقات و حریت و آزادی در ممالک روسیه مندرج بوده است . و بهمین جهت آدمهای بسیار از جانب حکومت گرفتار شده اند .

از جاهای موثوق می شنویم که پنهانی جمعیتی در ممالک روسیه هستند که خیال آنها داخل کردن جمهوری و آزادی بخاک روسیه بوده . و مقدار این جمعیت بقدر دو کرویر نفس میباشد که اینها همدیگر را می شناسند . و از کارهای همدیگر خبر دارند ولی باهمه دقت و اعتنائی که حکومت و دولت باین کارها دارند نمی تواند سر رشته ازین کار بدست بیاورد . و در میان این جمعیت بسیاری از صاحب منصفان نظامی و غیر نظامی هم بوده اند . و بر واپنی نام کره های از این جمعیت (قرمزی اوشاقلر) بوده است . و در هر سمتی از ممالک روسیه شعبه های جداگانه داشته اند .

(عرض مخصوص)

این صحیفه اخبار که محض برای خدمت مات و اشاعه آثار آگاهی بنا کرده شده است . و پس از مدتی تعطیل بتوفیق خدای آغاز بطبع و اشاعه آن کرده شد . باید بیاری و همت صاحبان هم پادار و دائمی باشد . تا آنکه فائده و منظوری که از آن هست بدست آید . لهذا از کسانی که مائل و راغب خرید اری آن میباشند استدعا داریم . که باولین وسیله لطفا بداره آگاهی داده و قیمت معین آن را نیز سالیانه یا ششماهه که میخواهند پیشگی بفرستند .

عرض دیگر آنکه کسانی که تا نمره شصتم از نسخه های اختر بایشان داده شده است اگر چنانچه قیمت ششماهه را پیشگی داده اند تا سه ماه دیگر بقرار حالایی نیز خدمت ایشان فرستاده شده از تفاوت آن صرف نظر فرمایند . و همچنین است سالیانه که تانه ماه خدمت ایشان ابقاد خواهد کردید . و اگر قیمت سه ماه پیش را نداده اند وجه آن را بانضمام قیمت مدتی که خواهند خرید هر کدام از روی فیسات مقرر خود کار سازی فرمایند .

قرار داد هفته دوبار که باید اختر بیرون بیاید بعد از چند روز از هاشورا مجری خواهد شد . عجله این دوسه هفته را تنها یک نسخه اکتفا خواهد شد .

چندی قبل مقرب الخاقان جهانگیرخان سرتیب که نظارت توپخانه و قورخانه ایران محول به عهده ایشان است ماذونا از طهران حرکت کرده و از راه تفلیس به پطر بورغ رفته است و از آنجا بسایر ممالک اروپا عزیمت خواهد کرد. جنرال مومی الیه رادرین سفر مأموریت فوق العاده نبوده مگر اینکه ملاحظه بعض اوضاع حربیه و سائر دولتها را کرده و در آن ضمن اگر مقتضی شود پاره فابریکها بایران ببرد و اسلحه تازه که مناسب داند بایع و کونتورات نمایند.

درین سفر برادر جنرال مومی الیه جنرال نریمان خان که بسمت مستشاری در سفارت علیه اسلامبول بوده بتفلیس دعوت شده و بهمراهی ایشان عازم اروپا شده اند.

صرافیه

غلطه ۲۹ کانون اول رومی که دیروز باشد

پاره	غروش	اسهام همومیه
۱۷	۱۲	

فرانق	۱۸۶۳	۱۸۶۵	۱۸۶۹	۱۸۷۲	۱۸۷۳
۰۷۰					
۰۷۰					
۰۵۸					
۰۰۰					
۰۵۶					

فرانق	۳۴
۰۰	

لبرای عثمانی	غروش	سوسنیه رترال	شرکت عثمانیه	اعتبار غومی	تراموای
۰۲	۳۸				
۰۲	۰۰				
۰۳	۱۰				
۱	۴۰				

کیال	غروش	پاره
لندن ۳ ماهه برای هر یک لبرای انگلیس	۱۰۹	۲۰
فرانک ۲۳ سانتیم	۱۰	

فیثات مسکوکات لبرای عثمانی

از قرار صد غروش

لبرای انگلیس	غروش	پاره
۱۱۰	۰۰	
۰۸۷	۲۷	
۸۸	۲۰	
۵۱	۲۵	
۱۵	۱۰	
۱۳	۰۵	
۱۰۴	۱۷	
۱۱۱	۰۰	
۱۱۲	۲۰	
۱۵۰	۰۰	

(جای فروش اختر در اسلامبول)

دکان جلیل آغا کتاب فروش در چنبری طاش
دکان حاجی حسن آغا در باغچه قیوسی دکان
تنبا کو فروش در اقسرای در یشل طولومبه
اطاق کتساب فروشی بزرگ در زیر مسافر خانه
عسکری

(اسامی وکلای اختر در خارج)

کسانیکه طالب خریدن سالیانه اختر باشند در
طهران بعالمجناب حاجی شیخ ابوالفتح تاجر طهرانی
و در تبریز در سرای امیر به مسیودیکران قورویانس
در رشت بعلمده التاج محمد آقا تاجر اصفهانی
در تفلیس بعالمشان مشهدی محمد تاجر تبریزی
یا بفخر الحاج حاجی رحیم تاجر اروانی
و در بمبئی بعالمجناب حاجی شیخ عبدالوهاب

شیرازی در تکیه عالیجاه حاجی زین العابدین
صاحب معین التجار

در مدراس بعلمده التجار حاجی خلیل تاجر
کرماتی

در حیدر آباد هند در سرکار نظام بعالمجاه آقا میرزا
نصرالله فدایی

در لاهور بفضیلت مآب میرزا غلام حیدر
مر اجعت کرده و مشتری بودن خودشان را بواسطه
حضرات معزی الیهم ویا بواسطه پوست مستقیماً
باداره اختر معلوم نمایند

و همچنین در باره رسانیدن قیمت سالیانه و شش ماهه
بهر دو وسیله می توانند رسانند و این یکی مقرر است
که هر کس خریدار باشد باید قیمت آنرا پیشکی
برساند تا آنکه اداره را اسباب نکس کار نکردد

قیمت سالیانه اختر

در ممالک عثمانیه سالی چهار مجیدیه سفید
ششماه دو مجیدیه میباشد اجرت پوست را
سالیانه سی غروش و ششماه پانزده غروش صاغ
افزوده خواهد شد

در ممالک سائر بانضمام اجرت پوست

طهران و بنادر فارس را سه تومان و پنجهن اردینار
و تبریز را سه تومان است

برای ممالک روسیه ده منات کاغذی میباشد

برای ممالک اروپا سی فرانک

جهت بمبئی و دیگر اطراف هندوستان و ممالک
متجاوره آنجا دوازده عدد دروپه نیز بانضمام اجرت
پوست میباشد

طاهر

مطبعه و ادار
در شار ع
میباشد

قرار قیمت سال
نوشته میشود

یک نسخه ۱

فی ۲ شهر محرم

این کازت ازهر

در روزهای شد

قطعه ست

بدید است

مخنکوی هنر

(فیضی) افاض

برشته نظم در

نامی اقدس هم

ستایش و تبریا

خلل الهی است

سال نورا بنکارش

بنامیزد (۱) شد

رسد هر دم صر

درین نزد

نمود ان رو

زمین مقدمش

پساجعتی ر

همانا شاد باد

که روشن کر

یمیش خرم و ش

تعالی الله ازین

بجلوه اندر آ

بجای سا

الا ای پادشاه

مخور زاسیب دش

تو باداد وده

حوالت کن

یکی تاریخ نفز

همایون باد امس

(۱) بنامیزد

و ترکی است استعم

(۲) دیرزی

(۳) کیهان